

تجربه‌ای از لذت‌همنشینی طنز حافظی در نگاه دکتر معصومی به دنیا آشکار است

منبع: مجله اندیشه پویا، سال دوم، شماره ۱۲، آذر و دی ۱۳۹۲.

نخستین بار حسین معصومی همدانی را با مقاله «سپهری و مشکل شعر امروز» شناختم. چون سال‌هاست با «هشت کتاب» مانوسم، عموم جستارهایی را که درباره شعر و نقاشی سپهری منتشر می‌شود، دنبال می‌کنم و می‌خوانم؛ از این رو مقاله ایشان را با اشتیاق فراوان خواندم و لذت بردم. همان ایام بود که ترجمه ایشان از کتاب «فلسفه علوم طبیعی» نوشته کارل همپل را در مطالعه گرفتم. سپس نام ایشان را در مقدمه «حافظ نامه»، اثر خواندنی بهاء‌الدین خرمشاهی، حافظ پژوه و قرآن پژوه معاصر دیدم و دریافتم دکتر معصومی با ادبیات فارسی کلاسیک نیز انس بسیار دارد.

ابتدای دهه هشتاد شمسی، ایشان برای سخنرانی درباره کتاب «شأن علم» که به قلم ایشان به فارسی برگردانده شده، به «مؤسسه معرفت و پژوهش» آمدند؛ آن روز اولین بار بود که ایشان را ملاقات کردم و از سخنرانی و گفتگوی با ایشان بهره زیادی بردم. در بهار سال ۸۵ شمسی، پس از اتمام تحصیلاتم در انگلستان به ایران بازگشتم و به سمت استادیار و عضو هیئت علمی در «مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران» مشغول به کار شدم. هنوز چندی نگذشته بود که دکتر معصومی نیز به مؤسسه منتقل شدند و من این بخت را یافتم که در مدت قریب به پنج سال که آنجا کار می‌کردم و مشغول درس و مشق بودم، در جلسات متعددی خدمت ایشان برسم و از هم صحبتی و گفتگوی با ایشان حظ وافر ببرم.

دکتر معصومی محقق متضلعی است و در چند حوزه کار کرده؛ در حوزه تاریخ علم دکتری گرفته و کار تخصصی کرده و مقالات متعددی نوشته و برخی آثار را به فارسی برگردانده، در فلسفه علم و فلسفه ریاضی و فیزیک جدید صاحب تألیف و ترجمه است؛ کتابی را درباره فلسفه دکارت به فارسی برگردانده؛ همچنین مجموعه اشعاری را به فارسی ترجمه کرده و در قالب کتابی منتشر کرده، درباره شعر سپهری مقاله نوشته و سالها عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی بوده است. هنگامی که با او هم صحبت می‌شوی، از حجم اطلاعات تاریخی، دینی، ادبی، فلسفی و ذهن وقاد او حقیقتاً لذت می‌بری و سیر نمی‌شود. نکته سنجی، باریک‌بینی و طنز قوی و دلنشینی که در کلامش موج می‌زند، مثال زدنی است؛ شخصاً در آن سالیان بارها نکات، خاطرات و داستان‌های تأمل‌برانگیز و آموزنده‌ای از ایشان شنیدم. هر از گاهی نیز که مجال طرح مباحث فلسفی پدید می‌آمد، از بصیرت‌های انتزاعی ایشان بهره می‌بردم.

در سال ۱۳۸۹، به اتفاق دیگر همکاران عزیز، سلسله جلساتی در حوزه فلسفه دین و اسلام شناسی در مؤسسه حکمت و فلسفه داشتیم و درباره مقالات برخی از متفکران و اندیشمندان معاصر مسلمان با هم بحث و گفتگو می کردیم؛ دکتر معصومی در آن جلسات به طور منظم شرکت می کرد و با یادآوری نکات تاریخی و الیهاتی متعدد، بر غنای مباحث می افزود. علاوه بر این، ایامی که ایران بودم، در جلسات هفتگی که چهارشنبه‌ها در محل نشر «هرمس» برگزار می شد، نسبتاً مرتب شرکت می کردم. تنی چند از مترجمان و مؤلفان و دانشگاهیان در آن جلسات فرهنگی شرکت می کردند؛ دکتر معصومی از اعضاء ثابت آن نشست‌ها بود و حضورش و نکاتی که طرح می کرد، رونق زیادی به جلسات می بخشید.

شخصیت دکتر معصومی را خیلی دوست دارم، تواضع و صمیمیت و سلامت نفس او مثال زدنی است، طنز زیبایی هم که همیشه چاشنی کلام اوست و از ذهن خلاق و نکته سنج او پرده بر می گیرد، هم سخنی با او را دل انگیز و به یادماندنی می کند، به نحوی که هیچ گاه گرد ملالت و کهنگی بر آن نمی نشیند؛ محضر او «به شیوه باران پر از طراوت تکرار است». چندین بار نیز از سر لطف سخنان طنز آمیزی درباره کار و بار من در حضور خودم و در جمع دوستان و همکاران همدل گفتند که هرگاه آن تعبیر را در این سوی دنیا به خاطر می آورم، بی اختیار لبخند بر لبانم نقش می بندد و آن خاطرات شیرین در ذهن و ضمیرم زنده می شود. شخصیت ایشان برایم تداعی کننده مفهوم عمیق «رندی» در دیوان حافظ و سلوک حافظی است؛ کسی که فنا و زوال پذیری این جهان را به رأی العین دریافته، بر خلاف بسیاری به آن چندان دل نبسته و با رضایت و طمأنینه و آرامش و بدور از هیاهو، کار علمی و فرهنگی خود را انجام می دهد، که «حیف باشد دل دانا که مشوش باشد». در عین حال، طنز حافظی در نگاه دکتر معصومی به دنیا و آنچه در آن می گذرد آشکار است؛ مرد شادکام و شادخواری است که بر نیک و بد جهان هم چو شرر می خندد و با طراوت و تازگی و سرخوشی بر سر مهر است و غم و اندوه را گردن زده است، که «دمی با غم بسر بردن جهان یکسر نمی ارزد» و «رو به محبوسان غم ده ساقیا افیون خویش». هنگامیکه دریافتم دلی در گروهی سپهری دارند و از ایشان شنیدم دفاتر «صدای پای آب» و «حجم سبز» را خیلی پسندیده و روزگاری بخش‌هایی از آن را در خاطره و حافظه خود داشته‌اند، ارادتم به ایشان بیشتر شد.

خرسندم که به همت و ابتکار دست اندرکاران نشریه وزین «اندیشه پویا»، جشن‌نامه‌ای به مناسبت در رسیدن شصت و پنجمین سالروز تولد دکتر معصومی همدانی تدارک دیده شده است. سطور فوق ادای دین خردی است در حق کسی که از او آموخته و از همشینی با او حظ و بهره بسیار برده و برایش احترام فراوان قائلم. آرزو کنیم جناب معصومی برای سالیان سال زنده باشند و جامعه فرهنگی و علمی ایران از آثار ایشان، کما فی السابق استفاده کنند.